

آسیابانی و بازنمایی مناسبات اجتماعی طبقات فرودست در جوامع روستایی: بررسی پدیده آسیاب و آسیابانی در روستای حسن آباد ششتمد سبزوار

جلال‌الدین رفیع‌فر^۱

موسی‌الرضا غربی^۲

محمد زرقی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۱

چکیده

آسیاب به‌عنوان یکی از نمودهای تمدن ایرانی، جلوه‌ای از دانش بومی ایرانیان در راستای سازگاری با اقلیم خشک و کم‌آب ایران است. این پژوهش، به بررسی بسترمند و زمینه‌مند فرهنگ آسیابانی در یکی از روستاهای منطقه جنوبی سبزوار می‌پردازد و با اتخاذ رویکردی مردم‌نگارانه، با رویکرد نظری بوم‌شناسی فرهنگی، از خلال بررسی این پدیده، به دنبال واکاوی مناسبات طبیعت و فرهنگ است. نتایج نشان می‌دهد شکل‌گیری فناوری و سازه آسیاب، پاسخی سازگارانه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی منطقه است که فرهنگ‌سازی خاصی به‌همراه داشته است؛ بنابراین، سویه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آسیاب، مواردی هستند که به آن‌ها پرداخته می‌شود. با توجه به داده‌ها و شواهد میدانی پژوهش حاضر می‌توان گفت آسیابانی در منطقه مورد مطالعه، به‌عنوان حرفه‌ای کارآمد و ضروری مطرح است، اما این حرفه، در تحلیل نهایی حرفه‌ای، چندان مطلوب تلقی نمی‌شود. با توجه به نتایج، به‌نظر می‌رسد جایگاه نه‌چندان مطلوب این حرفه در فرهنگ مورد مطالعه را باید در ساخت پرتنش جوامع روستایی در مناطق حاشیه کویر جست‌وجو کرد.

واژه‌های کلیدی: آسیاب، انسان‌شناسی فناوری، بوم‌شناسی فرهنگی، جایگاه اجتماعی آسیابان، طبقات فرودست روستایی.

۱. استاد گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، jrafifar@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)،

Mosarezagharbi@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد هنرهای زیبای دانشگاه تهران، mimzarghi@ut.ac.ir

مقدمه

فناوری که به‌عنوان توانایی ساخت و استفاده از ابزار و به‌مثابه عاملی اساسی در تمایز انسان از حیوانات مطرح است (ساتون و اندرسون، ۲۰۱۰: ۱۰۰)، به مجموعه فرایندهایی گفته می‌شود که جوامع انسانی، از طریق آن‌ها بر محیط خود تأثیر می‌گذارند (ریویر، ۱۳۸۶: ۱۲۸). به‌نظر می‌رسد این فرایندها در جوامع گوناگون، روندهای متفاوتی ایجاد کرده‌اند؛ از این‌رو می‌توان فناوری را پدیده‌ای فرهنگی قلمداد کرد که در قالب یک فرهنگ عمل می‌کند، فرهنگ خود را می‌سازد، از سایر جنبه‌های فرهنگ تأثیر می‌پذیرد، بر آن‌ها اثر می‌گذارد و روابط و اعمال اجتماعی را بازنمایی می‌کند (لیمانیر، ۲۰۱۰: ۶۸۵)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد مطالعه فناوری‌های فرهنگی، محملی را برای فهم فرهنگی و اجتماعی جوامع فراهم می‌آورد. مطالعه فناوری‌هایی از این دست، در آثار گروهی از انسان‌شناسان مانند لورواگوران^۱ (۱۹۴۳؛ ۱۹۴۵؛ ۱۹۶۴؛ ۱۹۶۵)، موس (۱۹۷۹)، هودیکور^۲ (۱۹۶۲؛ ۱۹۶۴؛ ۱۹۸۸) و جل^۳ (۱۹۷۸) قابل‌مشاهده است (لیمانیر و پفن برجر، ۱۹۸۹: ۵۲۶). آسیاب که از ساده‌ترین ابداعات‌های بشر بوده است، در ادبیات علوم اجتماعی جایگاه شایان توجهی یافته و به‌عنوان یک نماد تمایزدهنده در بحث از دوره‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و تاریخی به‌کار رفته است. مارکس، آس بادی را یک دگرذیسی در شیوه تولید قلمداد کرده است. او آس بادی را ارمغان جامعه‌ای فئودالی مبتنی بر نظام ارباب‌ورعیتی و ماشین بخار را عامل متمایزکننده جامعه صنعتی و سرمایه‌داری می‌داند (مارکس، ۱۳۸۳: ۱۵۶). سروانتس در رمان دن‌کیشوت، آس بادی را نماد دنیای مدرن قرار می‌دهد (شوتس، ۱۳۷۳: ۲۵۹) که شخصیت اصلی داستان، به‌دلیل تعلق به دنیای پیشامدرن، از درک کارکرد آن عاجز است. نتیجه این جدال نیز حاوی یکی از عمیق‌ترین استعاره‌های موجود در این شاهکار ادبی است؛ چراکه نتیجه درآویختن دن‌کیشوت، گره‌خوردن وی به شاخه‌های آسیاب و پرتاب شدن به هواس است که این به‌معنای پایان‌یافتن دنیای پیشامدرن و آغاز دوران جدید است.

آسیاب را در ایران می‌توان یک پدیده فناورانه فرهنگی تلقی کرد و آن را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مطالعه کرد. در بررسی آسیاب به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، ابعاد تکنیکی و فناورانه آن مطرح می‌شود که در دامنه‌ای از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین انواع قرار دارد. از سویی

1. Leroi-Gourh
2. Haudricourt
3. Gill

آس دستی، ساده‌ترین نوع این فناوری است که اختراع و استفاده آن به پیش از تاریخ برمی‌گردد و به‌ویژه در دوره نوسنگی، شواهدی از استفاده از آن در بعضی از محوطه‌های باستانی ایران گزارش شده است (رفیع‌فر و قربانی، ۱۳۸۵: ۹۹). انواع پیچیده‌تر آن نیز وجود دارد که از جمله آن می‌توان به فناوری آس‌های آبی اشاره کرد. پاپلی یزدی (۱۳۶۴) از آسیاب قنات قطب‌آباد یزد به‌عنوان نمونه‌ای از شاهکارهای این تکنیک سنتی یاد می‌کند که در عمق ۴۰ متری زمین، دو تنوره به عمق ۵ تا ۷ متر ساخته‌اند که هریک سنگ مخصوصی را به‌حرکت درمی‌آورد. بهشتی (۱۳۸۳) از آسیاب محمدآباد میبد که با آب جاری در کانال قنات به‌گردش درمی‌آید، با عنوان «یک کار بسیار بسیار هوشمندانه مهندسی» یاد می‌کند. باین‌همه به‌نظر می‌رسد در ایران، آسیاب، فناوری‌ای فراگیر است؛ چراکه بیشتر جوامع - حتی جوامعی که از نظر فناوری رشد چندانی نداشته‌اند - حداقل از ساده‌ترین نوع این فناوری که همان آس دستی است، برخوردارند. چنانکه در دهکده‌ای مانند هوفل - که تا سال ۱۳۶۸ روستایی تقریباً ناشناخته بوده و از نظر تکنیکی در سطح اولیه‌ای قرار داشته است - وجود و فعالیت دو آسیای آبی در آن گزارش شده است (رفیع‌فر، ۱۳۷۴: ۲۳؛ عسگری خانقاه و رفیع‌فر، ۱۳۶۸: ۴۴).

با توجه به مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان ادعا کرد دانش بومی مربوط به آسیاب‌ها در ایران تا حد زیادی ثبت شده است. اگرچه نمی‌توان از بعضی تغییرات اندک تکنیکی یا احیاناً ابتکارهای تکنیکی فرهنگ‌های گوناگون در راه‌اندازی، به‌کارگیری و تعمیر آسیاب چشم‌پوشی کرد؛ باین‌حال، به‌نظر می‌رسد به بعد معماری و سازه‌ای آسیاب‌ها به‌عنوان بخشی از فرهنگ مادی و غیرمادی مردم ایران و به‌ویژه چنانکه از ادبیات موجود درباره آسیاب و آسیابانی برمی‌آید، به ابعاد انسانی و اقتصادی آسیاب‌ها کمتر توجه شده است. به‌سخن پاپلی یزدی، آسیاب با ایجاد تحول در تقسیم کار زنان و مردان، در افزایش نیروی کار تولیدی مؤثر واقع شد؛ چنانکه زنان دیگر لازم نبود ساعتی از روز را به آسیاب‌کردن حبوبات اختصاص دهند و از این فرصت می‌توانستند برای فعالیت‌های دیگری مانند صنایع‌دستی استفاده کنند. بدین‌ترتیب، آسیاب‌کردن که فعالیتی زنانه بود، به فعالیتی مردانه تبدیل شد که زنان در آن نقش چندانی نداشتند (پاپلی یزدی، ۱۳۶۴: ۲۵). نکته دیگر که کمتر به آن توجه شده است، کندوکاو در بسترها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این پدیده است. زمینه‌مندی، به‌عنوان رویکردی بنیادی در انسان‌شناسی، به‌دنبال مطالعه پدیده‌ها در فرهنگ و جامعه خاص و رسیدن به دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی از آن در جامعه مورد مطالعه است (بلاسکو و واردل، ۲۰۰۷:

۳۷). نظر به خلأهای پژوهشی موجود، پژوهش حاضر با حرکت و توجه به مسئله بافت‌گرایی و فاصله‌گرفتن از رویکردهای کلان‌نگر، با رویکردی خرد به مطالعه این پدیده در فرهنگ یک جامعه روستایی در سبزوار می‌پردازد و به این پدیده در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن در فرهنگ مورد مطالعه توجه می‌کند.

پیشینه پژوهش

سابقه توجه و بررسی آسیاب‌ها در فرهنگ ایرانیان، به قرون ابتدایی هجری برمی‌گردد؛ چنانکه جغرافیدانان آن اعصار مانند ابن‌حوقل، استخری و مقدسی و... از آسیاب‌های شهرها و آبادی‌های ایران در آثار خود یاد کرده‌اند. (هاوسن: ۲: ۲۰۱۱) بسیاری از سیاحان و جهانگردان غربی نیز ضمن بازدید از ایران به‌هنگام گذر از شهرها و روستاها، به آسیاب‌های آن نقاط توجه کرده‌اند و نکاتی را در مورد کم‌وکیف آن اظهار داشته‌اند. آنچنان‌که شاردن، جهانگرد فرانسوی، از آسیاب‌هایی یاد می‌کند که چهار سنگ آسیاب را یک چرخ می‌چرخانده‌است (سرافرازی، ۱۳۷۳: ۳).

بررسی‌های علمی در زمینه آسیاب و آسیابانی، به نیم قرن اخیر برمی‌گردد. آثار منتشرشده از بررسی‌های علمی درباره این موضوع در زبان فارسی را می‌توان در سه گروه اصلی کتاب، مقاله و پایان‌نامه دسته‌بندی کرد. تا امروز کتاب مستقلی در مورد آسیاب و آسیابانی در ایران منتشر نشده و تنها در بعضی کتاب‌ها از آسیاب‌ها در حد یک فصل بحث شده است. از جمله این تألیف‌ها می‌توان به کتاب در فرهنگ خودزیستن و به فرهنگ دیگری نگریستن علی بلوکباشی (۱۳۸۸) اشاره کرد. بلوکباشی در بخش دانش و فناوری، در حوزه فرهنگ عامه و در فصلی به نام آسیاب: کهن‌ترین دستاورد فنی ایرانیان، به‌طور مختصر به آسیاب و فرهنگ آسیابانی پرداخته است. باستانی پاریزی (۱۳۸۲) نیز در آسیای هفت‌سنگ، در حوزه تاریخ، در فصلی به آسیاب و آسیابانان در فرهنگ مردم ایران اشاراتی دارد. جانب‌اللهی (۱۳۸۴) نیز ضمن بحث از فناوری‌های بومی قنات، به آسیاب‌های قرارگرفته در مسیر قنات، کارکرد آن‌ها در فناوری قنات، نحوه ساخت آن‌ها و بعضی مسائل فنی درباره آن‌ها اشاراتی دارد. جلال آل احمد (۱۳۹۲) در منوگرافی اروزان، یکی از روستاهای طالقان، از وجود چهار آسیاب در آن روستا خبر می‌دهد. همچنین فرهادی (۱۳۶۹) در کتاب‌نامه کمره، نه دستگاه آسیاب از آن منطقه را در قالب جدولی معرفی کرده و اسنادی از آن‌ها ارائه کرده است.

سه پایان‌نامه نیز در این حوزه نگارش یافته است. یک مورد مربوط به آس‌های بادی خواف است که توسط اسماعیل قلی‌پور (۱۳۷۷) و به‌راهنمایی جلال‌الدین رفیع‌فر در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران نوشته شده است. محمد مکاری نیز در مورد آس‌های خواف در دانشگاه آزاد پایان‌نامه‌ای تدوین کرده است. غلامحسین صالحی (۱۳۶۸) نیز پایان‌نامه‌ای در مورد آسیاب در منطقه بختیاری به راهنمایی جلال‌الدین رفیع‌فر به‌انجام رسانده است که هنوز یکی از جامع‌ترین پژوهش‌ها در حوزه آسیاب‌ها به‌ویژه مباحث فنی آن به‌شمار می‌رود. چنانکه می‌توان ادعا کرد که در آن، دانش بومی آسیاب در منطقه بختیاری در حد بالایی ثبت و ضبط شده است. مقالاتی نیز در مورد آسیاب‌ها منتشر شده است که بعضی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مقاله پاپلی یزدی (۱۳۶۴) با نام «آسیاب‌هایی که با آب قنات کار می‌کنند»، «آسیاب‌های کمره و پیشینه آسیاب‌های آبی در ایران» تألیف رضا سرافرازی (۱۳۷۳)، «آسیاب و موقعیت آن در پهنای فرهنگ مردم» تألیف ناصر نصیب (۱۳۶۰)، «آسیاب و آسیابانی در جامعه روستایی ایران» از ایمانی جاجرمی و شاه‌حسینی (۱۳۹۰) و «مهندسی آسیاب‌های آبی با مطالعه موردی آسیاب دو سنگی مید» از روشن‌ضمیر و همکاران (۱۳۹۲). علاوه‌براین‌ها، موارد دیگری نیز منتشر شده است که اهمیت کمتری دارند. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها به زبان لاتین می‌توان به اثر هانس ولف (دهه ۱۹۳۰) با عنوان «صنایع سنتی در ایران» اشاره کرد. این کتاب، ضمن طرح تاریخچه مختصری از آس‌های بادی، توصیف مفصلی از سیستم فنی آن ارائه می‌کند. مقاله کلوس فردیناند در مورد آس‌های افغانستان با عکس‌ها و طرح‌های متعدد، در دهه ۱۹۶۰ در آستانه خاموشی این آس‌ها انجام شد. از میان تازه‌ترین کارها می‌توان به کار هاوسن بر آس‌های بادی شرق خراسان در سال ۱۹۹۱ اشاره کرد (تاچر و مکلاکلن، ۲۰۰۵: ۶۹).

مبانی نظری

انسان عمدتاً از طریق ابزارسازی و فناوری، با هر اکوسیستمی در زمین سازش می‌یابد و منطبق می‌شود. این فناوری کاربری‌های گوناگون دارد. از خلال تحلیل فناوری می‌توان بصیرت‌هایی در مورد کارکرد ابزارها و رابطه فرهنگ و طبیعت کسب کرد (ساتون و اندرسون، ۲۰۱۰: ۱۰۰)؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد توجه به متغیرهای محیطی در بررسی فناوری و فرهنگ منبعث از آن، به‌عنوان ابزاری کلیدی در فهم شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی مطرح است.

در این پژوهش، با بررسی آسیاب‌های روستای حسن‌آباد ده‌زمین سبزوار از دیدگاه بوم‌شناسی فرهنگی^۱ نشان داده می‌شود که چگونه محیط زیست این مردم در فناوری بومی آنان مؤثر است و این فرهنگ ناشی‌شده از محیط، خود چگونه فرهنگ‌سازی می‌کند و بر محیط و سایر اجزای فرهنگ اثر می‌گذارد. رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی - که به‌عنوان نوعی رویکرد نوظهورگرایی شناخته می‌شود- به تعامل‌ها و مناسبات بین انسان و محیط زندگی‌اش و نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌اش از آن می‌پردازد. در واقع، در این رویکرد، فرهنگ و محیط، مستقل از یکدیگر نیستند و نوعی تعامل مستمر بین آن‌ها وجود دارد. مبدأ این نظریه را جولیان استیوارد، انسان‌شناس آمریکایی با نگارش کتاب *نظریه تغییر فرهنگ بنیان نهاد*. استیوارد معتقد است که محیط‌های مشابه و یکسان جوامع، فرهنگ‌های یکسان یا شبیه به هم را به‌وجود می‌آورند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۲۱۸؛ مور، ۱۳۹۱: ۲۲۴). در واقع، استیوارد معتقد است «زیستگاه‌های محیطی و محیط زندگی و معیشت افراد، به‌مثابه متغیرهای مستقلی هستند که در شکل‌گیری نظام‌های اجتماعی مشترک و ایجاد خصیصه‌های فرهنگی و تعیین شیوه زندگی یک گروه یا منطقه مؤثرند» (بارت، ۱۳۸۷: ۱۱۶). استیوارد یادآور شده است که فناوری را نمی‌توان جدا از محیط در نظر گرفت؛ برای مثال، ممکن است فرهنگ‌ها در محیط‌های متفاوت یک نوع فناوری داشته باشند، اما همین فناوری در همه این محیط‌ها بازدهی یکسانی ندارد و ممکن است الگوهای کار، مدیریت اقتصادی و سازمان اجتماعی در محیط‌های مختلف متفاوت باشند (بیتس و پلاگ، ۱۳۸۲: ۸۲). کار عمده استیوارد، ارائه تمایز بین هسته فرهنگ^۲ و عناصر ثانویه فرهنگ است. هسته، بخش‌هایی از فرهنگ است که بیشترین ارتباط را با محیط دارد. هسته فرهنگ یا الگوهای تداوم حیات، در طول زمان و در واکنش به یک محیط خاص شامل خاک، آب، هوا و... متحول شده است؛ علاوه‌براین، هسته به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی، خود بر سایر ویژگی‌های فرهنگی و سازمان اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، ایده هسته فرهنگ، نوعی نقش تعاملی را در تحول‌های فرهنگی به محیط و فرهنگ محول می‌کند (مارکت، ۱۳۸۳: ۱۹۱). عناصر ثانویه فرهنگ، نتیجه اشاعه یا خلاق‌اند و کمتر بر اثر عوامل محیطی تغییر می‌کنند یا تعیین می‌شوند (بارت، ۱۹۸۴: ۴۶). استیوارد به سه مرحله اساسی در پژوهش‌های فرهنگی بوم‌شناختی اشاره می‌کند: نخست تحلیل رابطه فناوری و محیط، دوم تحلیل الگوی رفتاری خاص که ناشی از

1. Cultural ecology

2. Culture core

به‌کارگیری فناوری در یک محیط خاص است و سوم تحلیل این مسئله که چگونه این الگوهای رفتاری بر سایر جنبه‌های فرهنگ اثر می‌گذارند (مور، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

روش پژوهش

در مردم‌نگاری به‌عنوان عمده‌ترین راهبرد روش‌شناختی در انسان‌شناسی، گردآوری داده‌ها همواره تابع پرسش تحقیق و شرایط میدان است (فیلک، ۱۳۸۷: ۲۵۳). چنانکه گذشت، مطالعه حاضر معطوف به بررسی پدیده آسیاب و فرهنگ منبعث از آن در جامعه‌ای روستایی در منطقه سبزوار است. با توجه به اینکه پدیده مذکور، امروزه به‌عنوان عنصری زنده و دارای کارکرد در این فرهنگ حضور ندارد، عمدتاً از روش گذشته‌نگر و تاریخی برای بررسی آن استفاده شده و از روش‌شناسی کیفی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. نگارندگان با حضوری مردم‌نگارانه در محل، ضمن مشاهده و مستندسازی بقایای آسیاب‌های این روستا به‌وسیله یادداشت‌برداری، عکس‌برداری و فیلم‌برداری، از مصاحبه‌های مردم‌نگارانه و تاریخ شفاهی، به‌عنوان یکی از معمول‌ترین راهبردهای مورد استفاده در پژوهش‌های کیفی (دنزین و لینکلن، ۱۹۹۴: ۳۶۳) برای فهم فرهنگی پدیده مورد مطالعه در این جامعه بهره برده‌اند. استفاده از پژوهش‌های موجود در مورد فرهنگ منطقه و دانش فرهنگی آن، ابزارهای دیگر این نوشتار را در ارائه بعضی از تحلیل‌ها شکل می‌دهند.

معرفی میدان پژوهش

روستای حسن‌آباد، در شهرستان سبزوار استان خراسان رضوی در دهستان بیهق بخش ششتمد این شهرستان قرار دارد. این روستا در فاصله ۳۴ کیلومتری جنوب شهر سبزوار، در طول جغرافیایی ۵۷ ۷ ۴۸ و عرض جغرافیایی ۳۵ ۵۷ (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰) در شمال شرق شهر ششتمد و به‌فاصله ۵ کیلومتری از آن قرار دارد. روستای حسن‌آباد، از نظر کشاورزی و دامی و به‌ویژه تولید عسل به‌روشن علمی حائز اهمیت است (محمدی، ۱۳۸۱: ۸۲). این روستا با متوسط ارتفاع ۱۳۴۵، موقعیتی تپه‌ای دارد و جمعیت آن در حدود ۱۱۳ نفر در ۶۶ خانوار گزارش شده است (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰). این روستا به‌ویژه در گذشته، از روستاهای آباد منطقه و به‌ادعان مردم منطقه،

ارباب‌نشین^۱ بود. همچنین چنانکه بعضی از اسناد نشان می‌دهند، این روستا در مسیر جاده تاریخی ترشیز- که شرق کشور را به جنوب آن متصل می‌کرده- قرار داشت (گرگر، ۱۳۶۸: ۲۰۲). اهالی، قدمت روستا را بیش از پنج قرن می‌دانند (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۰۰). به نظر می‌رسد میزان زمینی که در اختیار اهالی این روستاست، بیشتر از سایر روستاهای مجاور باشد؛ از این رو، بنابر اظهارات اهالی، این روستا در منطقه به «حسن آباد ده‌زمین» مشهور شده است. منابع آب روستا، به سه منبع چشمه، قنات و رودخانه محدود است و سیستم تقسیم آب خاصی دارد.

آسیاب‌های منطقه

فرهنگ عمید، «آس کردن» را به معنی آردکردن آورده است (عمید، ۱۳۶۳: ۳۱). براساس اینکه این آردکردن با چه نیرویی انجام شود، انواع مختلفی از آس‌ها از قبیل آس دستی، آس بادی، آس ستوری و آس آبی یا آسیاب شکل می‌گیرد. واژه آسیاب، دراصل «آس آب» بوده که در تحول آوایی و فونتیکی، به صورت آسیاب درآمده است. این واژه با افتادن صامت «ب» از پایان، به آسیا تبدیل شده (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۲۳۶) و این صورت از این واژه نیز امروز کاربرد دارد.

در شهرستان سبزوار، وجود بیش از ۳۰۰ آسیاب که در مسیر رودخانه‌های فصلی و دائمی و قنات قرار داشته‌اند، گزارش شده است (سنگ‌سفیدی و عبدالله‌زاده ثانی، ۱۳۸۸: ۲۰۷). از این میان، آسیاب روستای ریوند در غرب سبزوار که امروز نیز هنوز فعال است، در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (عبدالله‌زاده ثانی، ۱۳۸۶). با توجه به اقلیم خشک و کم‌آب منطقه، نوع این آسیاب‌ها تنوره‌ای است. از این آسیاب‌ها در اسناد رسمی‌تر منطقه مانند وقف‌نامه‌ها و اسناد مالکیت با کلمه عربی «طاحون» یا «طاحونه» یاد شده است (رستمی، ۱۳۸۷: ۹۱).

قطب آسیاب و آسیاب‌گردانی در منطقه مورد مطالعه، روستای حسن آباد ده‌زمین بود. چنانکه در گذشته نه‌چندان دور، در دره روستای ده‌زمین حدود ۱۰ باب آسیاب تنوره‌ای فعال وجود داشت که رود نسبتاً کم‌آب روستا تمامی آنان را می‌پرچاند. این آسیاب‌ها معمولاً با نام مالکانشان شناخته می‌شوند؛ برای مثال، آسیای عبدول، آسیای سماعی‌ها و... که امروزه هیچ‌یک

۱. وضعیت روستاهایی که ارباب خود در آن حضور داشت، در مقایسه با روستاهای که اجاره داده می‌شد یا به مباشر سپرده می‌شد، نسبتاً بهتر بود؛ چراکه حضور ارباب سبب می‌شد که در زمینه تولید کشاورزی تا حدی سرمایه‌گذاری شود و از روش‌ها و تکنیک‌های جدید استفاده شود (وثوقی، ۱۳۷۸: ۹۸).

از این آسیاب‌ها فعال نیستند و آخرین آسیاب فعال این روستا بیست سال پیش متروک و غیرفعال شده است. بیشتر آسیاب‌های این روستا به کلی ویران شده‌اند. با این حال، آسیاب‌هایی نیز وجود دارند که تا حد ۷۰ درصد سالم باقی مانده‌اند. در این نوشتار، پلانی از یکی از این آسیاب‌ها به عنوان نمونه تهیه شده است که در ادامه ارائه می‌شود. روستای مورد مطالعه، از معدود روستاهایی است که امروزه در آن، یک دستگاه آسیاب دیزلی مشغول به کار است. این آسیاب به دست فرزند یکی آسیابانان قدیمی روستا اداره می‌شود.

آسیاب و آسیابانی در روستای حسن‌آباد

براساس آنچه گذشت، در این پژوهش، تمرکز اصلی بر بررسی و کندوکاو درباره پدیده آسیاب و آسیابانی در روستای حسن‌آباد ده‌زمین با دستمایه قراردادن نظریه بوم‌شناسی فرهنگی استیوارد است. بنا به آنچه در نظریه بوم‌شناسی فرهنگی مطرح است، فرهنگ پاسخی سازگاران به عوامل طبیعی و زیست‌محیطی است (بارت، ۱۳۸۷: ۱۱۵). در این نظریه، بر سه محور تحلیل رابطه محیط و فناوری، تحلیل فرهنگ ناشی از این رابطه و تحلیل تأثیرهای این فرهنگ بر سایر جنبه‌های فرهنگ جامعه مورد مطالعه تأکید شده است. نوشتار حاضر با استفاده از این محورها، داده‌ها و تحلیل‌های خود را ارائه می‌کند. با این حال، خود را محدود و به‌طور کامل مقید به این محورها نمی‌داند.

نخست رابطه محیط و فناوری بررسی می‌شود. یکی از ویژگی‌ها و شرایط محیطی منطقه که در سازه و فناوری این آسیاب‌ها دیده می‌شود، منابع آبی محدود و آب‌های سطحی ضعیف منطقه است که به نظر می‌رسد برای غلبه بر ضعف توان آب در منطقه، از آسیاب‌های تنوره‌ای استفاده شده است. منطق استفاده از تنوره در آسیاب‌ها، استفاده از رابطه معکوس بین سطح مقطع آب و فشار آن است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد تنوره‌های این آسیاب‌ها، بیش از آنکه به دنبال ارائه جلوه‌ای از هنر معماری مردمی باشند، در خدمت اهدافی کاربردی‌ترند.

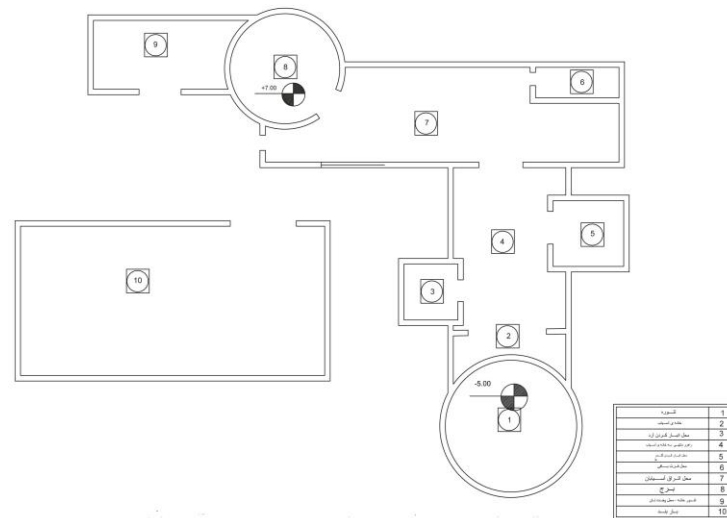
دومین ویژگی طبیعی و محیطی مهم و اساسی منطقه، اقلیم خشک آن است؛ چنانکه در تقسیمات اقلیمی کشور، این منطقه جزئی از اقلیم فلات مرکزی و دارای آب‌وهوای نیمه‌بیابانی با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های نسبتاً سرد قلمداد می‌شود (ولایتی و توسلی، ۱۳۷۰: ۱۱۸). برای سازگاری با این نوع اقلیم، معماری خشتی در این منطقه مانند سایر مناطق خشک و

کویری ایران شکل گرفت. در این نوع معماری، به منظور غلبه بر شرایط اقلیمی، از دیوارهای حجیم و در و پنجره‌های چوبی استفاده شده است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۷۲). معماری خشتی به‌ویژه در گذشته، کاربردی مشابه وسایل فناورانه گرمایشی و سرمایشی امروزی داشت؛ بدین معنا که هم در زمستان و هم تابستان، محیطی مطلوب را برای زندگی فراهم می‌کرد. با گسترش و رواج هرچه بیشتر برق و سوخت‌های فسیلی در منطقه، استفاده از آجر و پنجره و درهای فلزی، در معماری منطقه شکل غالب یافته است. این ملاحظات که در معماری مسکونی روستا نیز قابل مشاهده است، در معماری آسیاهای این روستا نیز دیده می‌شود. برای درک بهتر معماری آسیاب، پلانی از یکی از آسیاب‌های مورد مطالعه و شرح جزئیات آن ارائه می‌شود.

معماری آسیاب آبی روستای حسن‌آباد ده‌زمین

عناصر معماری

معماری آسیاب براساس شرایط اقلیمی، دسترسی به آب، گستردگی، نوع و میزان مشتری، نحوه مدیریت و... با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ بنابراین، می‌توان اظهار داشت که معماری و ساختمان آسیاب‌ها، حتی در یک روستا بنا به ملاحظه‌های فوق با یکدیگر متفاوت‌اند، اما به‌طور کلی می‌توان بنا و سازه آسیاب‌های روستای حسن‌آباد را از نظر فضایی و کارکردی به دو بخش عمده تقسیم‌بندی کرد؛ بخش اول عناصر اصلی، سیستم آسیاب است. این عناصر شامل آن دسته از فضاها می‌شوند که به‌نوعی جز اصلی سیستم آسیاب و آسیابانی هستند و در همه آسیاب‌ها چه کوچک و چه بزرگ، مهم یا کم‌اهمیت‌تر وجود دارند و اساساً فرایند آسیابانی با وجود این فضاها امکان‌پذیر است. بخش دوم، عناصر جنبی است که فضاهایی را شکل می‌دهد که به‌طور مستقیم در آسیابانی دخیل نیستند؛ بلکه تسهیل‌کننده و مکمل فعالیت‌های آسیابانی به‌شمار می‌روند. برج، تنورخانه و آغل احشام، مواردی از این دست هستند. بعضی از این قسمت‌ها، بنابر اهمیت و بزرگی یک آسیاب ممکن است در آن وجود داشته باشند یا بزرگ‌تر از سایر آسیاب‌ها باشند. در ادامه، به بحث درباره‌ی عناصر و فضاهای معماری آسیاب‌های روستای مورد مطالعه در قالب این دو بخش پرداخته می‌شود.



پلان ۱. آسیاب سمعی‌ها، روستای حسن‌آباد ده‌زمین سبزوار (طراح محسن عزیزی‌راد)

۱. عناصر اصلی

الف) ورودی

در تمام آسیاب‌های مورد بررسی، فضایی وجود دارد که محل اتصال مجموعه فضاهای آسیاب به دنیای بیرون است که می‌توان آن را ورودی آسیاب نامید. به‌نظر می‌رسد این فضا در مجموعه‌بنای آسیاب، دارای کارکرد چندگانه است. از سویی فضایی برای بعضی فعالیت‌های حاشیه‌ای در زمینه آسیابانی مانند آماده‌سازی و تمیزکردن غلات و حبوبات با الک و غربال پیش از آسیاب‌شدن و از سوی دیگر، فعالیت‌های مکملی مانند بسته‌بندی کردن کیسه‌های آرد به‌شمار می‌آید؛ بدین‌طریق که آسیابان با سوزن‌های مخصوصی که در محل به آن تمنه^۱ می‌گویند، سر جوال‌ها^۲ و کیسه‌های آرد را می‌دوخت. در این فضا سکوی نیز وجود داشت که حمل‌ونقل کیسه‌های آرد را تسهیل می‌کرد. از طرفی این مکان به‌علت دوری از محل پایه آسیاب و سروصدای ناشی از آن، محلی برای استراحت آسیابان و خانواده‌ی او نیز محسوب می‌شد؛ چنانکه

۱. temana سوزن بزرگی که معمولاً برای دوختن چیزهای ضخیم به‌کار می‌رود.

۲. کیسه بزرگ و بسیار ضخیم از جنس نخ یا پشم که برای حمل گندم و جو و غلات دیگر به‌وسیله چهارپایان به‌کار می‌رود.

همسر آسیابان معمولاً دستگاه پارچه‌بافی سنتی خود را که در محل به نام فرت شناخته می‌شود، در این محل برپا می‌کرد. در دیوارهای این فضا، طاق و طاقچه‌های متعددی برای نگهداری لوازم و مایحتاج زندگی آسیابان و خانواده او تعبیه شده است که نشان‌دهنده کاربری عمدتاً مسکونی این فضا است. به نظر می‌رسد این فضا محل مناسبی برای مشتریان و مراجعان برای استراحت و درمان ماندن از گزند باد و باران و طوفان و سیل و... نیز به‌شمار می‌رفت.

ب) راهرو

این راهرو فضای نشیمن را به بخش خانه آسیاب یا پایه آسیاب متصل می‌کند. در سراسر این راهرو، طاقچه‌هایی قرار دارد که بعضی از ابزارها و ادوات مربوط به آسیابانی در آنجا نگهداری می‌شده است.

پ) انبار

چنانکه در پلان ارائه شده مشخص است، معمولاً در مسیر راهرو و در دو سوی شمالی و جنوبی آن، دو انبار وجود داشت که به قول اهالی، یکی از این دو انبارها محل نگهداری و درنوبت قراردادن غلات مشتریان و دیگری انبار آرد بود که آسیابان مزد خود یا احیاناً آرد مشتریان را در آنجا نگهداری می‌کرد. به نظر می‌رسد برای جلوگیری از شپش‌زدگی احتمالی غلات، هیچ‌یک از این انبارها در نداشته است.

ت) خانه آسیاب

خانه یا پایه آسیاب، فضایی از آسیاب است که در انتهای راهرو قرار دارد و معمولاً اتاقکی در حدود ده متر در پنج متر است که سنگ آسیاب در آن قرار دارد. معماری داخلی این قسمت آسیاب، به علت مجاورت با تنوره و آب، با سایر بخش‌ها متفاوت است. از این رو، در ساخت این قسمت، از مصالح بادوام‌تری مانند سنگ و ساروج استفاده شده است. این مصالح، در نمای درونی خانه آسیاب دیده می‌شوند. خانه معمولاً به صورت چهارطاقی ساخته می‌شود که سنگ آسیاب در زیر طاقی قرار می‌گیرد که تنوره آسیاب مشرف به آن است. در زیر این قسمت از آسیاب، «زیرآب» قرار دارد که چرخاب آسیاب به‌عنوان قلب تپنده آن، در آن تعبیه شده است. استحکام این قسمت از بنا به نظر مطلعان محلی، تمهیدی برای افزایش ضریب امنیت آسیاب در مقابل سرقت‌های احتمالی و افزایش کیفیت بهداشت محیط با جلوگیری از ورود باران و

بعضی رسوبات سرازیر شده از دامنه کوه محسوب می‌شد. سایر اجزای ساختمان آسیاب، معمولاً از خشت خام و چوب بود. از جمله تمهیدات جانبی این قسمت آسیاب می‌توان به طاقچه محفظه‌مانندی اشاره کرد که در زیر یکی از طاقی‌ها، در مجاورت سنگ آسیاب در دیوار تعبیه شده است. آسیابان پس از وزن کردن آرد، حق‌العمل خود را برمی‌دارد، درون آن محفظه می‌ریزد و بعد از پر شدن، آن را به کیسه منتقل می‌کند. وجود چنین محفظه‌ای را می‌توان نشان‌دهنده دغدغه آسیابان برای جلوگیری از تداخل آرد خود و مشتریان دانست.

خ) تنوره

ظاهراً وجه تسمیه آن، ریشه در شباهت و تفاوت این سازه با تنور نان‌پزی دارد. این سازه استوانه‌ای شکل که دراصل، جزئی از سیستم فنی و تکنیکی آسیاب است، با ارتفاعی حدود پنج تا شش متر، مشرف به ساختمان آسیاب است. این سازه که از مصالحی چون ساروج و سنگ ساخته شده است، در کنار برج، نمای زیبایی به آسیاب می‌بخشد. تنوره به‌علت مصالح بادوام آن مانند ساروج و سنگ، معمولاً مقاوم‌ترین و پایدارترین عنصر معماری آسیاهای تنوره‌ای قلمداد می‌شود. در بحث اجزای فنی آسیاهای، نکات بیشتری در این باره ارائه می‌شود.

بخش‌های جنبی

الف) برج

آسیاب‌هایی که از نظر اهمیت در جایگاه بالاتری قرار دارند، در کنار ساختمان آسیاب، برج‌هایی نیز به ارتفاع هفت تا هشت متر و در دو طبقه برای دیدبانی ساخته‌اند. کارکرد اساسی و عمده این سازه، در حوزه حراست و حفاظت از آسیاب قرار می‌گیرد. در این راستا، این برج‌ها در بالاترین نقطه خود دارای پنجره‌هایی در چهار سوی خود برای دیدبانی بهتر هستند. نمای این برج‌ها از خشت و گل است. طبقه همکف به‌وسیله نردبان چوبی مرکز برج، به طبقه اول- که محل دیدبانی بوده- متصل است. در ورودی به طبقه همکف، از داخل آسیاب و معمولاً از قسمت ورودی است. چنانکه تاریخ شفاهی منطقه نشان می‌دهد، این برج‌ها در گران‌سالی‌ها به‌مثابه دژهایی مستحکم در جهت حفاظت از آسیاب‌ها عمل می‌کردند؛ چراکه در سال‌های قحطی و گران‌سالی، ایامی وجود داشت که افراد نه‌تنها در تهیه نان شب، بلکه چندین شب نیز

در تهیه حداقل قوت یعنی نان خشک مخلوط به انواع علوفه ناتوان بودند.^۱ در این سالها، گندم و آرد و حتی بعضی جایگزین‌های کم‌بهارتر آن مانند ارزن یا به گویش محلی گاوس، حکم کیمیا را می‌یافت. مردم حاضر بودند اشیای گران‌بها و ارزشمند خود مانند پارچه‌ها و چارقد‌های اطلسی را با مقدار اندکی گندم و موادی از این دست معاوضه کنند (رازقی، ۱۳۹۲: ۴۲). در این سالها آسیاب- که محل آردکردن غلات بود- همواره محل هجوم و حمله گرسنگان و دزدان به‌شمار می‌رفت؛ چنانکه در این سالها، وقوع درگیری‌های خونین به‌خاطر این مسئله در اطراف آسیاب‌ها گزارش می‌شود. در این موارد، آسیابان و سایر افراد مستقر در آسیاب، عمدتاً مالکان گندم و آرد با پرتاب سنگ و مانند آن از پنجره برج که مشرف به در ورودی آسیاب بود، دزدان را که در صدد شکستن در و ورود به داخل آسیاب بودند، ناکام می‌گذاشتند.

ب) تنورخانه

تنورخانه را از فضاهای خدماتی- رفاهی آسیابا باید دانست که عمدتاً برای ارائه خدمات به مشتریان از آن استفاده می‌شد. تنورخانه معمولاً در کنار برج آسیاب یا در کنار ساختمان آسیاب قرار دارد و دارای دو تنور بزرگ و کوچک است. از تنور بزرگ برای پخت نان و از تنور کوچک برای پخت نوعی فتیر مخصوص- که در محل به فتیر آسیابانی مشهور است- استفاده شده است. البته تنورچه‌هایی در قسمت‌های داخل آسیاب و به‌ویژه قسمت ورودی نیز مشاهده شده است.

پ) باربند

معمولاً در کنار ساختمان و سازه آسیاب، آغلی وجود داشت که در محل به آن باربند می‌گویند. این فضا از سایر قسمت‌های آسیاب جدا بود و برای تیمار و استراحت حیوانات بارکش و احیاناً دام‌های آسیابان استفاده می‌شد. چنانکه اطلاع‌رسانان اشاره دارند، در گران‌سالی‌ها به‌علت ناامنی، حتی این فضا نیز درون مجموعه داخلی آسیاب قرار می‌گرفت. در این موارد، یکی از انبارها محل نگهداری از احشام می‌شد.

۱. در گران‌سالی‌ها و قحطی‌ها به‌دلیل محدودیت و کمبود آرد برای افزایش خروجی نان از انواع گیاهان خودرو در نان استفاده می‌شد. در سالی که در منطقه به سال «من پنش تمن» معروف است، زنی از یک من آرد، پنج من خمیر درست کرد. بدین‌نحو که انواع علف‌ها و گیاهان خودرو را در خمیر مخلوط کرد؛ به‌گونه‌ای که به‌علت سنگینی به تنور نمی‌چسبید (رازقی، ۱۳۹۲: ۳۸).

آسیاب‌های مورد مطالعه، از نظر نمای خارجی معمولاً دارای سقف گنبدی شکل هستند. نمای داخلی خانه آسیاب از سنگ و سایر اجزا معمولاً از خشت است. در نقطه مرکزی سقف خانه آسیاب، روزنه‌ای به عنوان نورگیر تعبیه شده است. همان‌طور که گفته شد، این آسیاب‌ها از تنوره تشکیل می‌شدند. تنوره‌ها بین ۳ تا ۴ متر ارتفاع داشتند و معمولاً به آسیاب‌ها مشرف بودند. برای آبرسانی به این تنوره‌ها - که به صورت استوانه‌ای هستند - آبراه‌ای تهیه می‌کردند که آب را از مسیر اصلی به سمت تنوره آسیاب هدایت می‌کرد و پس از برخورد به پره‌های آسیاب، از سمت دیگر آسیاب بیرون می‌آمد و به مسیر خود ادامه می‌داد. هنگامی که آب در مسیر آبراهه آسیاب نیست و در اصطلاح محلی می‌گویند «آب به بلد» است، فرصت مناسبی برای استاد آسیابان برای رفع نقص احتمالی سیستم چرخش آسیاب فراهم می‌شود. معمولاً آب همیشه بر تنوره آسیاب است؛ مگر زمانی که گندمی برای آردکردن نباشد یا اینکه نقضی در آسیاب به وجود آمده باشد.

اجزای فنی دستگاه آسیاب

الف (تنوره

آسیاب‌ها، سیستمی نسبتاً پیچیده دارند. یکی از عناصر مهم در سیستم فنی آسیاب، تنوره است. همان‌طور که اشاره شد، تنوره سازه‌ای استوانه‌ای شکل و دارای دهانه‌ای معمولاً به قطر ۳ تا ۴ متر بود. منطبق با استفاده از تنوره در سیستم آسیاب - که ناشی از انباشته تجربه و دانش بومی مردم ایران است - مبتنی بر اصلی در علم فیزیک است. مطابق یک اصل در فیزیک، سرعت و سطح مقطع، با هم رابطه وارونه دارند و با کاهش سطح مقطع، سرعت افزایش می‌یابد (رزنیک و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۲). براین اساس، تنوره را به شکل قیف می‌ساختند؛ به این صورت که قطر تنوره، هرچه به عمق آن نزدیک‌تر می‌شود، کاهش می‌یافت. طراحی فناوری تنوره بدین شکل، راهبردی برای افزایش قدرت و توان آب‌های محدود منطقه است.

معمولاً برای ساخت تنوره آسیاب، از مصالح بادوامی مانند ساروج که مردم منطقه آن را ساریج^۱ تلفظ می‌کنند، استفاده می‌شد. ساروج، مخلوطی است از شن، ماسه‌بادی، آهک و خاکستر (زمرشیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۸) که از نظر دوام و استقامت، بهترین نوع ملاطی است که می‌توان از آن در ساخت تنوره آسیاب استفاده کرد؛ چراکه سال‌های زیادی در برابر سرما و گرما

و رطوبت مقاومت می‌کند و چنانکه بومیان اظهار می‌دارند، استقامت و دوام تنوره را در برابر آب بیشتر می‌کند. از همین روست که در ساخت حمام‌های سنتی، پل‌ها، آب‌انبارها، حوض‌خانه‌های شهری و... نیز از این ملاط استفاده می‌شد (احتشامی، ۱۳۸۶: ۲۴؛ زمرشیدی، ۱۳۸۴: ۲۷۸). در آسیاب‌های مورد مطالعه، تقریباً تمامی موارد تنوره‌شان باقی مانده بود که خود بیانگر مقاومت و استحکام بیشتر تنوره در مقایسه با سایر اجزای آسیاب است.

ب) چرخاب

عنصر اصلی سیستم فنی آسیاب، یک چرخ چوبی است که با نیروی آب می‌چرخد. چرخاب که به آن در محل «پره» می‌گویند، به سنگ رویی آسیاب متصل است و آن را می‌چرخاند. چرخاب، محوری استوانه‌ای دارد که در یک سر آن، نوکی فلزی و بر سر دیگرش میله‌ای آهنی فرو شده و پره‌هایی به سطح دور آن وصل است. چرخاب را به صورت افقی یا عمودی، در گذر آب قرار می‌دهند. چرخاب افقی، محوری قائم دارد که پره‌ها به‌طور افقی در شکاف‌های مایل روی آن فرورفته و محکم شده‌اند. این چرخاب زیر سنگ‌های آسیاب کار گذاشته می‌شود. طرز قرار گرفتن چرخاب به این‌گونه است که نوک فلزی سرپایین محور در سوراخ سنگی که بر کف آب قرار داده شده، فرومی‌رود و میله آهنی سربالای آن از میان سنگ ثابت زیرین آسیاب می‌گذرد و در اصطلاح، در گلوی سنگ‌گردان آسیاب محکم می‌شود. چرخاب قائم- که محوری افقی دارد- معمولاً در کنار سنگ‌های آسیاب کار گذاشته می‌شود. یک سر محور این چرخاب، در سوراخی در دیوار قرار می‌گیرد و سر دیگرش با یک چرخ‌دنده چوبی به محور عمودی زیر سنگ‌های آسیاب متصل می‌شود (بلوکباشی، ۱۳۸۸: ۲۴۱-۲۴۲).

پ) سنگ‌های آسیاب

آسیاب‌های مورد بررسی، سنگ‌هایی به قطر حدود دو متر دارند. این آسیاب‌ها دارای دو سنگ هستند؛ یکی سنگ زیرین که این سنگ به مراتب ضخیم‌تر از سنگ رویین است. این سنگ‌ها باید برهم مماس باشند. سنگ زیرین که نوعی سنگ خارا است، از کوه‌های اطراف استخراج می‌شد و پس از تراشیدن، آن را به صورت گرد از کوه می‌آوردند. تهیه این سنگ‌ها در محل، برعهده افراد خاصی بود که به آن‌ها «سنگ‌کول» یا سنگ‌تراش می‌گفتند. گندم یا جو، از سوراخی که در وسط سنگ رویین ایجاد می‌شد، به درون سنگ آسیاب می‌رفت و به آرد تبدیل می‌شد. با

گذشت مدتی از فعالیت مداوم آسیاب و سنگ‌های آن، ناهمواری‌هایی در سنگ‌ها به‌وجود می‌آمد که آسیابان آن‌ها را با ابزاری شبیه چکش به نام اشکنه برطرف می‌کرد.

خ) زیرآب

در این قسمت که مانند محفظه‌ای اتاق‌مانند است، چرخاب جاسازی و با اهرم‌هایی استوار شده است. این قسمت که دقیقاً زیر سنگ آسیاب و خانه آسیاب قرار دارد، دارای ارتفاعی کمتر از یک متر است؛ به‌طوری‌که آسیابان به‌طور نشسته به‌راحتی می‌تواند به آنجا برود و مشکل‌های احتمالی آسیاب را بررسی و مرتفع کند.

در ادامه، به تحلیل فرهنگ منبعث از فناوری آسیاب‌ها در منطقه مورد مطالعه پرداخته می‌شود. در مطالعه فرهنگ باید توجه داشت که عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. فناوری، بخشی از فرهنگ مادی تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر سایر اجزای فرهنگ است؛ بنابراین، فرهنگ مادی و فناوری، همراه خود فرهنگ معنوی را نیز تولید می‌کنند (رفیع‌فر، ۱۳۹۲). در این زمینه گزیندو (۱۳۷۳) معتقد است مطالعه فناوری نه‌تنها درجه توانایی و امکانات بومی و مادی منطقه مورد مطالعه را نشان می‌دهد، بلکه نظام فرهنگی و سیاسی گروه اجتماعی مزبور را نیز تعیین می‌کند. شکل‌گیری فرهنگ آسیاب‌ها، از دیدگاه‌ها و حوزه‌های مختلف از جمله روابط اقتصادی، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی، قابل‌بررسی و ردیابی است.

آسیاب به‌مثابه یک پدیده اقتصادی

آسیاب، مکانی میان زمین و خانه و آسیابان، شخصی میان کشاورز و مصرف‌کننده است. آسیاب و آسیابان با افزودن ارزشی به ماده اولیه - که از بخش تولیدی جامعه، به آن به‌عنوان بخش خدماتی وارد می‌شود - به عرصه حیات اقتصادی جامعه پا می‌گذارد؛ به‌ویژه در گذشته، آسیاب‌ها یکی از عناصر اقتصادی مهم جامعه بودند که با کمترین نیروی انسانی کار می‌کردند و بیشترین بازدهی اقتصادی را داشتند؛ ضمن آنکه با بهره‌گیری از نیروی آب، هیچ‌گونه آلودگی و تخریب محیطی نداشتند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۸۵)؛ چنانکه می‌توان آن را نمونه‌ای از فناوری مناسب و پایدار و منطبق با محیط دانست. بدین‌سان به‌نظر می‌رسد آسیاب به‌عنوان یکی از سازه‌های اقتصادی، در تاریخ اجتماعی ایران قابل‌طرح و بحث باشد. هوگلاند در زمین و انقلاب در ایران

ضمن بحث از حساب مالی آسیابها، آسیاداری را از مشاغل پربازده اقتصادی می‌داند (ایمانی جاجرمی و شاه‌حسینی، ۱۳۹۰: ۲۰).

شکل‌گیری و ظهور آسیاب‌ها، از جهت تحولی که در روابط تقسیم کار ایجاد کرد نیز حائز اهمیت است. چنانکه پاپلی یزدی (۱۳۶۴) اشاره دارد، با پیدایش و گسترش آسیابها، فعالیت آسیاب‌کردن از یک فعالیت زنانه به یک فعالیت عمدتاً مردانه تبدیل شد. به‌نظر می‌رسد پیش از شکل‌گیری نهاد آسیاب، زنان عهده‌دار آسیاب‌کردن گندم و سایر مواد مورد نیاز خانواده از طریق آس‌های دستی بودند که با ابداع و شکل‌گیری آسیاب‌هایی که با نیروی آب یا سایر نیروها فعالیت می‌کردند، بخشی از وقت زنان در روز که صرف آردکردن گندم و سایر حبوبات می‌شد، آزاد شد. این فرصت آزاد، عرصه را برای تمرکز بیشتر زنان بر سایر فعالیت‌ها، از جمله فعالیت در حوزه صنایع دستی مانند فرش‌بافی، نخ‌ریسی، ریسمان‌بافی، قالی‌بافی و... و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های دامداری و کشاورزی فراهم می‌کرد. بدین‌ترتیب، سهم و نقش زنان در تولید خالص خانواده برجسته‌تر شد؛ چراکه فرصت زنان برای فعالیت آسیاب‌کردن که فعالیتی خدماتی برای خانوار بود، به فرصتی برای مشارکت در فعالیت‌های مولد و تولیدی تبدیل شد. در تقسیم کار، وظیفه آسیابانی به افراد خاص و دارای فناوری آسیاب واگذار می‌شد. بدین‌ترتیب، آسیاب‌کردن و آسیابانی، از یک فعالیت خانگی به یک فعالیت اقتصادی تمام‌عیار بدل شد که معاش خانواده‌ها را نیز تأمین می‌کرد. این بررسی نشان می‌دهد در منطقه مورد نظر، آسیابانان عمدتاً به‌همراه خانواده خود در ساختمان آسیاب سکنی می‌گزیدند و همسر آسیابان نیز در کار آسیاب‌کردن مشارکت داشت و در فرایند آردکردن و بسته‌بندی آن نیز دخیل و مؤثر بود. این مسئله بیانگر مشارکت زنان در اقتصاد پولی خانواده روستایی بود. از طرفی به‌نظر می‌رسد شکل‌گیری و گسترش آسیاب‌ها و آسیابانی، زمینه تحول‌هایی در تقسیم کار اقتصادی در جوامع روستایی در سطح کلان‌تر را نیز فراهم می‌کرد. چنانکه می‌توان اظهار کرد ظاهراً با گسترش آسیاب‌ها، تا حدودی از میزان وابستگی مستقیم روستاییان به زمین کاسته می‌شد، فرصت‌هایی برای امرار معاش برای قشر بی‌زمین جامعه روستایی در بخش خدمات و زمینه تخصصی شدن و حرکت به سمت پیچیدگی در تقسیم کار اقتصادی در این جوامع نیز فراهم می‌آمد.

با احداث آسیاب‌ها و شکل‌گیری حرفه آسیابانی به‌عنوان یک فعالیت خدماتی نو، بحث نظام پرداختی درمورد این پدیده مطرح می‌شود. آسیابانان منطقه، مزد خود را از بار آردشده گندم

محاسبه می‌کردند که به آن در اصطلاح، «تیزدر»^۱ یا «تیزوبار»^۲ می‌گفتند. میزان مزد آسیابان، بسته به قیمت گندم و آرد متغیر بود. هنگامی که قیمت گندم بالا بود، از هر ۱۵ من آرد، یک من نصیب آسیابان می‌شد و هنگامی که قیمت گندم پایین بود، سهم آسیابان به نسبت افزایش می‌یافت. در این مواقع، از هر ده من گندم، یک من به‌عنوان حق‌الععمل سهم آسیابان می‌شد. به آردی که از انباشته‌شدن دستمزد آسیابان جمع می‌شد، آرد تیزدري می‌گفتند. این آرد که از گندم‌های مشتریان مختلف با انواع مختلف گندم تشکیل می‌شد، نزد مردم منطقه محبوبیت ویژه‌ای داشت. مردم آن را بهتر و مرغوب‌تر از سایر آردها می‌دانستند و برای خرید آن تمایل بیشتری از خود نشان می‌دادند.

مسئله مالکیت آسیاب‌ها نیز از مواردی است که باید از آن در زیرمجموعه رویکرد اقتصادی بحث کرد. بررسی‌های میدانی آسیاب‌ها نشان می‌دهد مالکیت آسیاب، عمدتاً به دو صورت اجاره‌ای یا ملکی بوده است. به‌علت مخارج و هزینه‌های نسبتاً بالای احداث آسیاب، معمولاً افرادی از جامعه روستایی که از طبقه کشاورز بودند و وضعیت مالی نسبتاً مطلوبی داشتند، آسیاب را می‌ساختند و آن را به افرادی از طبقه غیرکشاورز اجاره می‌دادند. در این موارد، آسیابان‌ها ملزم بودند ۱۵ من آرد در ماه، به‌عنوان حق اجاره به مالکان آسیاب تحویل دهند. البته در مواردی نیز افرادی از سایر اقشار جامعه، آسیاب را احداث می‌کردند که در این موارد، عمدتاً احداث‌کنندگان خود بهره‌برداری و مدیریت آسیاب را برعهده داشتند. در این موارد، معمولاً در آسیاب چند نفر شریک بودند و عمدتاً افراد یک شبکه خویشاوندی، وارد چنین شراکتی می‌شدند. در این موارد نیز آسیاب با نام آسیابانان شناخته می‌شد. آسیاب عبدل یا آسیای سماعی‌ها یا آسیاب کربلایی محمدابراهیم‌ها (پسران محمد ابراهیم) مواردی از این دست هستند. یکی از آسیاب‌های روستا نیز دارای مالکیت وقفی از نوع وقف اولاد است.

آسیاب به‌مثابه یک نهاد اجتماعی

بعضی از مطالعات روستایی ایران نشان داده‌اند که تعاون اقتصادی میان روستاهای ایران به‌طورکلی وجود ندارد و به‌ویژه در گذشته، هر روستا از همسایگان خود جدا و با آن‌ها در رقابت و ستیز بوده است (طالب، ۱۳۷۶: ۱۰۵؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۸۴؛ بنت، ۱۳۷۴: ۱۲۵). پژوهشی

در جوامع روستایی منطقه مورد مطالعه، وجود کشمکش و فضای رقابت‌آمیز در این روستاها را تأیید می‌کند. این کشمکش‌ها در دو سطح درونی و بیرونی قابل طرح است. در سطح درونی، اشاره به کشمکش‌ها و تعارض‌های روستایی میان ساکنان یک روستا، برسر منابع و منافع است، اما در سطح بیرونی، تضاد منافع و ستیز میان دو روستا، عمدتاً برسر تعیین حدود زمین مراتع، آب و... مطرح است. باین حال، همواره سازوکارها و عناصری وجود داشتند که این تنش‌ها را کاهش می‌دادند (غربی، ۱۳۹۳: ۸).

بررسی میدانی این پژوهش، آسیاب را نهادی اجتماعی نشان می‌دهد که در کاهش این تنش‌ها کارکرد دارد. یکی از کارکردهای پنهان این نهاد اجتماعی، گسترش ارتباطات و روابط روستاهای هم‌جوار و درگیر در شبکه آسیاب و آسیابانی و کاهش تنش در میان روستاهای هم‌جوار بود. روستای حسن‌آباد را هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی می‌توان قطب آسیابانی منطقه قلمداد کرد. از این‌رو، علاوه بر روستاهای بدون آسیاب، حتی روستاهای آسیاب‌داری مانند ششتمد نیز برای آسیابانی به آن مراجعه می‌کردند. بدین ترتیب، از یک‌سو روستاهایی که گندم خود را برای آسیاب‌شدن به روستای آسیاب‌دار منتقل می‌کردند، به‌نحوی به آن روستا وابسته می‌شدند، از سوی دیگر آسیابان و روستای آسیادار برای ادامه کار به مشتریانی از سایر روستاها نیازمند بود. در نتیجه، این نهاد، ضمن تأمین کارکرد آشکار و اساسی خود که تأمین آرد برای روستاییان منطقه بود، در کارکردی ثانویه و پنهان، زمینه شکل‌گیری نوعی از تعاون اقتصادی در منطقه را فراهم می‌آورد. براساس داده‌های میدانی، عمدتاً خود آسیابانان به روستاهای مجاور و اطراف مراجعه می‌کردند و گندم کشاورزان آن روستا را برای آردکردن به آسیاب می‌آوردند. از جمله روستاهایی که به روستای مورد مطالعه برای آسیابانی وابسته بودند، می‌توان به روستاهای ابراهیم‌آباد، ثقیه، ششتمد، عزیزآباد، بجدن، برازق، کاج، بسک، کیدور و... اشاره کرد. به‌نظر می‌رسد این وابستگی متقابل، در نهایت زمینه‌های گسترش انسجام و همبستگی منطقه‌ای و محلی را فراهم می‌آورد و از میزان تنش‌ها می‌کاست. در نظر گرفتن تمهیداتی برای مشتریان آسیاب در معماری آن، از جمله توجه به فضایی برای استراحت و درمان‌ماندن از گزند خطرهای احتمالی برای مراجعه‌کنندگان به آسیاب و فضایی برای نگهداری حیوانات بارکش آن‌ها و همچنین تهیه غذا و فتیر مخصوصی به‌نام فتیر آسیابانی برای آن‌ها تا یک روز به‌صورت رایگان، بیانگر این مسئله و نشان‌دهنده توجه و اهمیتی است که آسیابانان برای مشتریان خود از سایر روستاها قائل

بودند.^۱ در این راستا می‌توان به ارتباط‌های روستایی مؤثر دیگری در زمینه افزایش همبستگی منطقه‌ای اشاره کرد. از جمله اینکه مراجعه‌کنندگانی که از روستاهای دوردست برای آردکردن گندم خود به روستای مورد نظر مراجعه می‌کردند، بعضاً محصول‌های منطقه خود را که در منطقه آسیادار نایاب یا کمیاب بود، با خود می‌آوردند و در آنجا می‌فروختند یا با محصول‌هایی که در منطقه خود کم یا نایاب بود، معاوضه می‌کردند. چنانکه مردم روستاهای دشتی منطقه که به گیاه خودرو کما دسترسی گسترده‌ای داشتند، آن را برای پیشکشی و احیاناً معاوضه به روستای آسیاب‌دار منتقل می‌کردند (غربی، ۱۳۹۱: ۱۹۶). این گیاه، در منطقه به‌عنوان گیاهی خوراکی - دارویی شناخته می‌شد و غذای تهیه‌شده از آن را غذایی شفابخش تلقی می‌کردند. خاصیت اصلی و عمده این گیاه در نظر مردم منطقه، انگل‌کشی و خاصیت ضدعفونی‌کنندگی آن بود. چنانکه تأکید به مصرف حداقل سه بار در سال از آن، در افواه عامه مردم منطقه وجود دارد (همان: ۷۷). بنابر آنچه گذشت، نهاد آسیاب خود تا حدی به‌عنوان عنصری در جهت کاهش تنش‌های میان روستاهای منطقه عمل می‌کرد. دقت در نقل قول زیر از یکی از دست‌اندرکاران آسیابانی منطقه، ممکن است در این زمینه روشن‌گر باشد:

«روزی مشتری از یکی از روستاهای دوردست به آسیاب ما آمد. هنوز به دم در نرسیده بود که با لحنی گرم و گیرا فریاد زد: ملاحسین ملاحسین، قرن بگردید که نوروز به شنبه افتاد و ما از روستای تندک به ده شما برای آسیاب آمدیم. سریع‌تر گندم‌های ما را آرد کنید.»

آسیاب و آسیابانی در بعد درونی تعارض‌های روستایی نیز عمل می‌کند. علاوه بر شکل‌گیری شبکه متقابل و وابسته آسیابانی در روستا، همکاری بعضی از افراد جامعه روستایی در احداث و بهره‌برداری از آسیاب‌ها در این بعد، قابل‌دسته‌بندی است؛ اگرچه عمده همکاری‌های اخیر، براساس روابط خویشاوندی شکل می‌گرفت؛ بدین معنا که معمولاً خویشاوندان و عمدتاً چند برادر در چنین همکاری‌ای شرکت داشتند. مورد وقف‌اولادشدن یکی از آسیاب‌های مورد مطالعه، خود بیانگر کارکردهای اجتماعی آسیاب و آسیابانی در گردهم‌آوردن و تحکیم همبستگی‌های خویشاوندی است. در این موارد شاید بتوان آسیاب‌ها را با واحدهای تولیدی جمعی مانند خانوار و بنه در اجتماع‌های روستایی ایران - که عمدتاً مبتنی بر همکاری چند نفر یا چند خانواده در امر اقتصادی بود (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۳۲) - مقایسه کرد.

۱. در صورتی که مدت انتظار مراجعه‌کنندگان از یک روز بیشتر می‌شد، آسیابان از روی آرد مراجعه‌کنندگان، برای آن‌ها فتیر و نان تهیه می‌کرد.

آسیابانان، قشری برجسته در میان اقشار فرودست روستایی

شکل‌گیری و گسترش فناوری آسیاب، مشاغل و حرفه‌هایی را ایجاد می‌کرد. مهم‌ترین این مشاغل، حرفه آسیابانی (گرداندگی و نگهبانی آسیاب) است. به‌نوعی می‌توان گفت تاریخ پیدایش این پیشه باید با پیدایی آسیاب‌ها و نیاز به نگهبان و گرداننده هم‌زمان بوده باشد. با وجود اهمیت زیاد آسیابانی و نقش تعیین‌کننده و ارزش همگانی آن در ایران قبل و بعد از اسلام، آگاهی‌های بسیار اندکی از این پیشه و چگونگی کار آسیابانان و سازمان صنفی و زندگی و آداب و اخلاق و نقش و پایگاه اجتماعی آنان در دست است (بلوکباشی، ۱۳۸۷: ۳۷۷). در منطقه مورد مطالعه، از نقش‌ها و جایگاه‌های دیگری در این باره نیز می‌توان سخن به‌میان آورد. مالک آسیاب، کارگر آسیاب و سنگ‌تراش، از این دست مواردند. هرچند در مواردی، تمامی این امور به‌ویژه دو مورد اول را یک نفر برعهده داشت. معمولاً مالک آسیاب، فردی است که مالکیت آسیاب در اختیار اوست و آن را به دیگران اجاره می‌دهد. ازکیا (۱۳۷۴) مالکان آسیاب را در زمره قشر خرده‌بورژوازی روستایی قرار داده است و آنان را مسلط بر اقتصاد روستایی می‌داند. آسیابان به فردی اطلاق می‌شود که به سیستم تکنیکی و فنی آسیاب احاطه دارد و تعمیرات احتمالی آن را برعهده دارد. معمولاً آسیابان، آن را از مالک آسیاب اجاره می‌کند و یکی از نزدیکان یا اینکه معمولاً پیرمردی که در بعضی از نقاط منطقه با عنوان «کلوو»^۱ شناخته می‌شود، برای معاونت و همکاری در امور آسیاب به‌عنوان کارگر آسیاب به‌کار می‌گمارد. آسیابانان که معمولاً افرادی تنومند و قدرتمندی نیز بودند، خود عهده‌دار حمل و نقل گندم و آرد بین آسیاب و روستاها بودند. کلوو که در واقع، کارگر آسیاب و معمولاً پیرمردی بود، کارچندان دشواری نداشت. وظیفه او این بود که بعد از غربال‌گری گندم، آن را به‌نوبت در دول یا همان مخزن گندم بریزد و بعد آخور یا همان گودالی را که آردها را درون آن می‌ریزد، خالی کند، سر کیسه‌ها را بدوزد و برای بردن به‌سمت خانه‌های مشتریان آماده سازد. کلوو معمولاً با همسرش در خود آسیاب زندگی می‌کرد و به‌نوعی سرایدار آن بود. از دیگر مشاغل درگیر در فرهنگ آسیابانی منطقه می‌توان به سنگ‌تراشی به‌عنوان تأمین‌کننده سنگ آسیاب اشاره کرد. سنگ‌تراش که در محل با عنوان «سنگ‌کول» شناخته می‌شود، با استفاده از نوعی سنگ بعضی مایحتاج مردم

۱. به‌نظر می‌رسد واژه کلوو در اصل کلون، از مصدر ونگیدن به‌معنای حیران و سرگردان چیزی‌بودن یا به‌کاری مشغول‌بودن بود که طی فرایندهای واجی، ن از آن حذف شده و به کلوو تبدیل شده است.

را از قبیل بعضی ظروف سنگی مانند هرکاره، هاون و... را تأمین می‌کرد. یکی از وظایف دشوار سنگ‌تراش، استخراج سنگ آسیاب و تراشیدن و انتقال آن به محل آسیاب و تعمیر و تعویض آن سنگ بود.

چنانکه پژوهشگران روستایی نشان می‌دهند، معمولاً روستاهای ایران از چندین لایه و قشر اجتماعی تشکیل شده است و موقعیت هرکدام از این اقشار در ارتباط با زمین و فرایند تولید در گذر زمان براساس آداب اجتماعی مشخص شده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۸۱؛ ازکیا، ۱۳۷۴: ۹۰؛ صفی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۸۳-۸۷). وثوقی (۱۳۷۳) اقشار جامعه روستایی ایران را به شرح زیر مشخص می‌کند:

الف) کشاورزان:

۱. خرده‌مالکانی که شامل دهقانان خرده‌پا و دهقانان متوسط می‌شوند.

۲. زارعان سهم‌بر، اجاره‌داران

ب) غیرکشاورزان:

۱. کارگران روستایی شامل کارگران کشاورز یا ساده و کارگران فنی یا صنعتی

۲. سوداگران روستایی

بخش اعظمی از کل جمعیت غیرکشاورز را خوش‌نشینان روستایی شکل می‌دهند و در بخشی از ادبیات جامعه‌شناسی روستایی، طبقه غیرکشاورزان با عنوان خوش‌نشینان معرفی شده‌اند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۸۷؛ نیک‌خلق، ۱۳۷۹: ۱۷۲؛ صفی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۸۷). خوش‌نشین به معنای کسی است که از نظر کشاورزی، پیوندی با زمین و آب ندارد. در عرف جامعه روستایی، خوش‌نشین بار منفی دارد و نشانه منزلت اجتماعی پایین است. براساس دسته‌بندی وثوقی، آسیابان را باید در طبقه دوم، یعنی غیرکشاورزان و کارگران روستایی یا به عبارت دیگر، جزء جمعیت خوش‌نشینان روستایی قرار داد، اما چنانکه داده‌های میدانی این پژوهش نشان می‌دهد و پیش‌ازاین نیز به آن اشاره شد، بعضی از مالکان آسیابها را خرده‌دهقانانی شکل می‌دادند که در کنار عایدی کشاورزی، به درآمد ناشی از آسیاب نیز چشم دوخته بودند. در این موارد، مالک آسیاب که خود از طبقه کشاورزان بود، فردی از طبقه غیرکشاورزان را برای آسیابانی به کار می‌گمارد. از این‌رو، به نظر می‌رسد مالکان آسیاب، از جایگاه و منزلت اجتماعی بالاتری در مقایسه با آسیابان برخوردار بودند. با این حال، با توجه به شواهد میدانی پژوهش حاضر، به نظر می‌رسد آسیابان و آسیابانی با وجود نقش مهمی که به دلیل دخالت در فرایند تولید کالای اساسی

و راهبردی نان داشت، در جامعه کمتر از موقعیتی افتخارآمیز برخوردار بود. شاید بتوان نظر لوروآگوران را در مورد صنعتگران در جوامع موسوم به ابتدایی را به قشر آسیابان در جامعه مورد مطالعه بسط داد: «در طول تاریخ و در بین همه اقوام در مقایسه با تقدس کشیشان و قهرمانی جنگجویان و شیردلی شکارچیان و عزت داستان‌سرایان و آزادگی دهقانان، از صنعتگر فقط به‌عنوان ماهر یاد شده است» (روح‌الامینی، ۱۳۸۰: ۱۴۲). با این حال، آسیابانان همان‌طور که گذشت، در فرایند تهیه نان که مهم‌ترین کالا به‌ویژه در گذشته بود، دخیل بودند. از این رهگذر، عمدتاً در حد رفع نیاز خود و خانواده به گندم و آرد- به‌ویژه در گران‌سالی‌ها که این مسئله صورت جدی‌تر و حادث‌تر به خود می‌گرفت- دسترسی داشتند. این امر موجب شده که به‌نظر برسد آسیابان نسبت به سایر افراد هم‌رده با خود در جامعه روستایی مانند باغبانان، چوپانان و کارگران و... آسودگی و امنیت غذایی بیشتری داشت. توجه به سایر اجزای فرهنگ منطقه و به‌ویژه ادبیات شفاهی، این مسئله را روشن‌تر می‌سازد که مسئله امنیت غذایی، نه تنها از مهم‌ترین مسائل، بلکه به یک معنا مهم‌ترین مسئله به‌شمار می‌رفت. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد آسیابان به- دلیل برخورداری از این نعمت، از کیفیت زندگی مطلوب‌تری در مقایسه با هم‌رده‌های خود در نظام اجتماعی روستایی برخوردار بود.

آسیابانی و بازنمایی مناسبات اجتماعی در طبقات فرودست جامعه روستایی

مصاحبه‌های مردم‌نگارانه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حرفه آسیابانی، بنابر کارکرد مهم و اساسی که در تأمین نیاز اساسی جامعه داشت و همچنین به‌دلیل اینکه زمینه افزایش بهره‌وری اقتصادی را فراهم می‌کرد، مورد احترام بود. در این زمینه، داده‌های گردآوری‌شده از فرهنگ شفاهی منطقه نیز این نکته را تقویت و پشتیبانی می‌کند.

از طرفی به‌نظر می‌رسد اشتغال به آسیابانی و آسیابان‌بودن در نظام اجتماعی و عرفی جامعه مورد مطالعه چندان مطلوب نبوده است. این مسئله را می‌توان در بعضی روایت‌های شفاهی درباره این حرفه در منطقه مورد مطالعه مشاهده کرد. پژوهش‌های انسان‌شناختی منطقه نشان می‌دهد که مردم منطقه همواره برای نشان‌دادن ارزش اشیا و امور، به آن‌ها بعد زیباشناختی و هنری می‌بخشند و به این طریق، اهمیت مسئله را برجسته می‌سازند. از این‌رو، در مواردی که به‌ویژه در آیین‌ها بار مهم و ارزشمندی در حال ارائه و حمل است، با تزیین و زیباسازی و در اصطلاح محلی «آرا» کردن بر اهمیت و ارزش آن می‌افزایند. وجود و استفاده گسترده از تزیین

در آیین نخل، آیین اسب چوبی و آیین ازدواج در منطقه، از این دست است (مقصودی و غربی، ۱۳۹۲: ۱۶۵؛ عسکری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷). از طرفی نتایج بعضی پژوهش‌ها بر فرهنگ سنتی منطقه بیانگر آن است که مردم منطقه، برای تضعیف جایگاه بعضی پدیده‌ها که به نظر بی‌ارزش می‌نماید، آن‌ها را به بعضی منشأهای نامقدس که از نظر اعتقادی در جایگاه سخیفی قرار دارند، نسبت می‌دهند؛ برای مثال، گیاه خودرو که با آنکه کاربردهای گوناگونی در حوزه‌های مختلف زندگی روستایی منطقه دارد، در تحلیل نهایی فرهنگ منطقه، از نظر اهمیت و جایگاه به عنوان یک عنصر سخیف شناخته می‌شود. برای بارزکردن این مسئله، فرهنگ منطقه، منشأ پیدایش این گیاه را به عناصر نامقدس در این فرهنگ نسبت می‌دهد (غربی، ۱۳۹۱: ۱۹۹). در بررسی فرهنگ آسیابانی نیز این مسئله مشهود است و برای آنکه جایگاه این حرفه مشخص شود، آن را به عناصری که بیش از این، از آن‌ها سخن به میان آمد، نسبت می‌دهند. این طرز تلقی از آسیابانی موجب شده است کسوت آسیابانی در ردهٔ سخیف‌ترین مشاغل - که عمدتاً افراد بی‌تخصص و ناتوان و از سر ناچاری به آن‌ها روی می‌آورند - قلمداد شود و مصداق این مسئله را ضرب‌المثل زیر نشان می‌دهد: «یارو از گسِنیا آسیاونی منه از بزرگیش تیزدر ور نمدره»^۱ گونه‌های شفاهی دیگری نیز در این باره در فرهنگ منطقه وجود دارد که این مسئله و این طرز تلقی را نشان می‌دهد.^۲ در نتیجه، احترام به آسیابان و آسیابانی در بین عموم مردم منطقه، از حد پاسداشت یک مهارت تجاوز نمی‌کند؛ حتی آن را حرفه‌ای بی‌برکت می‌دانند و معتقدند آسیابان هرچقدر هم تلاش کند، وضعیت مطلوبی در زندگی نخواهد داشت.

ظاهراً علل و ریشه‌های این مسئله را می‌توان به بعضی ارزش‌های فرهنگی جامعه نسبت داد. یکی از این ارزش‌ها، حرمت و احترام قائل شدن برای گندم و آرد است که خود را در سایر جنبه‌های فرهنگ منطقه نیز نشان می‌دهد. احترام و تقدس این مواد، از شرایط دشوار اقلیم و دشواری در به‌عمل آوردن این مواد از یک‌سو و تأثیر و جایگاه این مواد در سیستم و فرهنگ

۱. yārow ez gosniyā esiyāowniy mena az bozorgeyš tiyzdar ver namedere.

ترجمه: یارو از روی گرسنگی به آسیابانی رو آورده بود، اما از روی ادعا دستمزد خود را نمی‌گرفت و آن را می‌بخشید.

۲. موارد زیر از این دست هستند:

عالم بی‌عمل و چشمهٔ بی‌آب یکی است. آسیابان، سگ، رنگریز و قصاب یکی است. شبی در آسیاب ماندن به یک من زر نمی‌ارزد، فتیر آسیابانی به سوز خر نمی‌ارزد.

تغذیه منطقه به طور خاص و در زندگی مردم منطقه به طور عام از سوی دیگر ناشی شده است. در کنار این ارزش می توان به ارزشی که عمدتاً دینی و اخلاقی است و به نظر می رسد عمدتاً ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی مردم منطقه دارد، اشاره کرد: حق الناس و احترام به حقوق دیگران و تلاش برای ممانعت از ورود حتی ذره ای از اموال دیگران در مال خود. بر این ارزش نیز از طریق سایر جنبه های فرهنگ تأکید شده است؛ از جمله در مثل «مال مردم؛ گال و گیژدم»^۱، اما در حرفه آسیابانی به علت ماهیت فرایند آن، معمولاً گندم و آرد در زیر دست و پا قرار می گیرد و آسیابان عمدتاً روی آن پا می نهد. بنابر اعتقاد مردم منطقه، این مسائل موجب بی احترامی به این ماده مقدس و ارزشمند و بی برکتی و بی ارزشی این حرفه می شود. از طرفی به علت بعضی بی دقتی ها در فرایند آسیابانی و تفکیک ناقص گندم افراد و استفاده مشترک از بعضی ابزارها مانند سنگ آسیاب و آخور- که البته اجتناب ناپذیر به نظر می رسد- زمینه مخلوط شدن اموال افراد با یکدیگر فراهم می شود. بعضی مسائل دیگر مانند نبود دقت ابزار اندازه گیری گندم و آرد و مسائلی از این دست، این حرفه را شبهه دار کرده است و در اصطلاح محلی می گویند در آن، امکان غش و تقلب در مقایسه با بعضی حرفه های دیگر فراهم تر است. البته شایان ذکر است این دیدگاه ها عمدتاً از سوی قشر کارگر روستایی و هم رده های اجتماعی ابراز می شود.

از مصاحبه ها و گفت و گوهای انجام شده، مشاهده ها و حضور مردم نگارانه در میدان و بعضی پژوهش های انجام شده در فرهنگ منطقه، افق های دیگری برای تجزیه و تحلیل این پدیده فراروی ذهن گشوده می شود. برای ارائه چنین تحلیلی، اشاره مجدد به دو نکته در ارتباط با پدیده آسیابانی در فرهنگ مورد بررسی ضروری به نظر می رسد. نکته اول اینکه اظهارات منفی درباره آسیابانی و استفاده از بعضی گونه های اسطوره ای، ادبی و زبانی برای برجسته سازی آن عمدتاً از سوی قشری خاص، قشر غیرکشاورز و کارگر جامعه روستایی مورد مطالعه- که از نظر اجتماعی و اقتصادی تقریباً با آسیابانان هم سطح هستند- ابراز می شود. نکته دوم، این واقعیت است که جوامع روستایی منطقه و از جمله روستای مورد مطالعه به علت کمبود منابع و تداخل منافع، جوامعی پرتنش هستند که بدگویی، نبود اعتماد متقابل، حسادت و توهم توطئه از

۱. این مثل معمولاً برای تأکید بر اجتناب از دست اندازی به اموال دیگران به کار می رود. گال: جانوری از گروه عنکبوتیان گزنده است و زهرش بسیار قوی است (محتشم، ۱۳۷۵: ۴۴۴). گیژدم: عقرب.

رفتارهای غالب این مردم است (غربی، ۱۳۹۳: ۱۰؛ دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۴۸-۵۰؛ رازقی، ۱۳۹۲: ۴۸، ۹۱ و ۹۵). چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، آسیابان در میان همگان خود به دلیل دسترسی ساده‌تر به نان، نه تنها به‌عنوان اساسی‌ترین کالا که مهم‌ترین مسئله روستاییان به‌ویژه در گذشته و گران‌سالی‌ها، از جایگاه نسبتاً برتر و ایمن‌تری برخوردار بودند. از این‌رو، شاید این بی‌ارزش دانستن حرفه آسیابانی در این فرهنگ، پیش از آنکه ناشی از نقض بعضی از ارزش‌هایی فرهنگی و اعتقادی جامعه در این حرفه باشد، ناشی از روابط و مناسبات میان طبقات و اقشار فرودست جامعه روستایی مورد مطالعه باشد. مردمانی که مادامی که یکی از هم‌قطارهایشان به موفقیتی دست یابد، به تعبیر فاستر (۱۳۷۸) به داستان‌سازی، توطئه‌چینی، بدگویی و حسادت درباره او می‌پردازند، بدون اینکه که خود به‌دنبال تغییر در وضعیت خود برآیند؛ بنابراین، پدیده آسیابانی، بازنمایی از سطح تنش در میان طبقات فرودست جامعه روستایی مورد مطالعه است.

بحث و نتیجه‌گیری

این نوشتار را می‌توان تلاشی در حوزه انسان‌شناسی فناوری^۱ قلمداد کرد. یکی از نقاط تکیه در این حوزه، تفسیر فناوری با توجه به ابعاد اجتماعی و سیستم‌های معانی است. با عنایت بر آنچه در این مقاله گذشت، به‌طور کلی می‌توان آسیاب‌ها را در ایران پدیده‌ای فرهنگی، تکنیکی، اجتماعی، اقتصادی و... قلمداد کرد. به‌عبارت دیگر، آن‌چنانکه مارسل موس انسان‌شناس فرانسوی در بحث از مفهوم «واقعیت تام اجتماعی»^۲ تأکید می‌کند و می‌توان آن را در ابعاد مختلف و متنوع بررسی کرد (استروس، ۱۹۸۷: ۲۶). پدیده‌ای که بعد از بررسی آن در ابعاد گوناگون، دوباره می‌توان آن را ترکیب و کلیت پدیده آسیاب را درک کرد.

در رویکرد نظری بوم‌شناسی فرهنگی، سه مرحله اساسی برای پژوهش مطرح است: نخست تحلیل و ارزیابی رابطه فناوری و محیط، دوم تحلیل و بررسی فرهنگ ناشی از این فناوری و درنهایت، تحلیل و ارزیابی تأثیر این فرهنگ بر سایر اجزای فرهنگ مورد مطالعه. با چنین رویکردی آسیاب‌ها را می‌توان جلوه فرهنگی دیگری از اقلیم خشک و کم‌آب منطقه به‌طور خاص و ایران به‌طور عام دانست. مسئله آب در تمامی شئون فرهنگ مردم ایران بازتاب دارد؛ در عرصه فرهنگ معنوی، شکل‌گیری آیین‌های تمنای باران، آیین‌های تقسیم آب، آیین‌های باروری

1. Anthropology of Technology

2. Total social fact

آب، آیین‌های همیاری در ارتباط با آب و... و در حوزه فرهنگ مادی، ابداع و اختراع قنات‌ها، شیوه‌های سنتی آبیاری و آسیاب و... خود ناشی از این مسئله مهم است. در آسیاب، برای افزایش توان آب از تنوره استفاده می‌شود و به این طریق، از آب کم و محدود استفاده بهینه می‌شود. در بعد سازه‌ای آسیاب‌های مورد مطالعه، استفاده از معماری خشتی شامل دیوارهای قطور، در و پنجره‌های چوبی و سقف گنبدی در کنار فضاسازی‌های دیگر، جلوه‌گاه دیگری از برهم‌کنشی فرهنگ و محیط را برای بیننده ترسیم می‌کند. می‌توان اظهار داشت مجموعه سازه و ساختمان آسیاب شامل خانه آسیاب، تنوره و برج، علاوه بر ارائه چشم‌اندازی زیبا از هنر معماری مردم منطقه، متوجه اهداف کارکردی‌تری است. آسیابها بعد از شکل‌گیری، برای انجام بهتر و بهینه‌تر امور محوله، به صورت یک سیستم عمل می‌کردند و فعالیت جانبی نیز به فعالیت‌های اصلی آسیاب اضافه شد. به اقتضای این مسئله، عناصر معماری آسیابها به دو بخش عمده قابل تقسیم‌بندی است؛ بخش اول عناصر اصلی که در ارتباط با کار اصلی آسیاب، یعنی آرد و آسیاب‌کردن غلات است. دوم عناصر جنبی که شامل فضاهایی می‌شود که به طور مستقیم در فرایند آسیاب‌کردن دخیل نیستند، اما تسهیل‌کننده و تکمیل‌کننده آن‌اند. از جمله این فضاها می‌توان به برج نگهداری، تنور خانه و باربند اشاره کرد. به نظر می‌رسد فرهنگ بعد از آنکه متأثر از محیط به ساخت و ابداع فناوری رسید، در خود پویایی‌هایی را احساس و فرهنگ خاص خود را بازتولید می‌کند. در اینجا سوبه‌های مختلف آسیاب‌ها به‌ویژه سوبه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن رخ می‌نماید. آسیاب‌ها با ارزش افزوده‌ای که به حاصل کار کشاورزان وارد می‌کنند، وارد چرخه اقتصادی جامعه به‌ویژه جامعه روستایی می‌شوند و به عناصر بااهمیتی در اقتصاد جوامع روستایی بدل می‌شوند. به نظر می‌رسد ورود این عنصر به مجموعه اقتصادی جامعه روستایی، موجب پویایی بیشتر اقتصاد روستایی، گسترش اقتصاد پولی و ایجاد تقسیم کار پیچیده‌تر در جامعه و فعال‌تر شدن زنان در امر اقتصادی خانواده روستایی شده است.

داده‌ها و تحلیل‌های پژوهش حاضر، ظهور آسیاب و آسیابان را به عنوان نهاد و قشری اجتماعی مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد فناوری آسیاب، به شکل‌گیری نهادی اجتماعی منجر شده که با ایجاد پیوند اقتصادی در سطح درونی و بیرونی روستایی، تاحدودی به عنوان سازوکار کاهش تنش‌های روستایی عمل کرده است. از سویی فناوری آسیاب به عنوان عاملی در جهت تعیین منزلت اجتماعی عمل کرده و موجب تغییر در ساخت منزلت‌بخش جامعه روستایی شده است. اگر تا پیش از این، اقشار و لایه‌های اجتماعی روستا صرفاً براساس ارتباط با زمین

مشخص می‌شدند، ورود این فناوری، برای صاحبان آن، فرصت‌هایی را برای مشارکت مؤثرتر اقتصادی و اجتماعی در جامعه فراهم آورده است. شکل‌گیری آسیاب، موجب شکل‌گیری قشر و طبقه جدیدی در میان طبقات ناهمگون جوامع روستایی شده است. از سویی مالکان آسیاب‌ها مطرح می‌شوند که به‌عنوان جزئی از طبقه خرده‌بورژوازی روستایی شناخته می‌شوند و از سویی آسیابانان که آسیاب را از مالکان آسیاب اجاره می‌کنند، قابل‌طرح و بحث‌اند؛ بنابراین، مالکان آسیاب‌ها که عمدتاً از طبقه کشاورز بودند، جز آسیاب درآمدهای دیگری نیز داشتند، در فرایند عملی آسیابانی دخیل نبودند و در مقایسه با آسیابانان از جایگاه و حیثیت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. به‌نظر می‌رسد آسیابانان با وجود قرارگرفتن در طبقات کارگر جوامع روستایی، به‌علت دسترسی یا سهولت در دسترسی به آرد و نان، در مقایسه با سایر کارگران روستایی، جایگاه ایمن‌تر و باکیفیت‌تری داشتند. از این‌رو، آسیابان را می‌توان قشری برجسته و ممتاز در حیات اجتماعی فرودستان جامعه روستایی ایران به‌حساب آورد. این جایگاه امن‌تر، موجب رشد بدگمانی، بدبینی و حسادت نسبت به این افراد در طبقه فرودست جامعه روستایی شده است. از این‌رو شاید بتوان گفت بعضی بدگمانی‌ها نسبت به این حرفه، بیش از آنکه ریشه در نقض بعضی ارزش‌های فرهنگی جامعه داشته باشد، در ساخت پرتنش جامعه روستایی در مناطق کویری ریشه دارد که مسئله محدودیت منابع و منافع، به وجه بارزتری دیده می‌شود.

منابع

- آل احمد، جلال (۱۳۹۲)، اورازان، تهران: آدینه سبز.
- احتشامی، منوچهر (۱۳۸۶)، پل‌های ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نی.
- ایمانی جاجرمی، حسین و شاه‌حسینی، ماهرو (۱۳۹۰)، «آسیاب و آسیابانی در جامعه روستایی ایران»، *مجله انسان‌شناسی*، شماره ۱۴: ۹-۲۷.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۲)، *آسیای هفت‌سنگ*، تهران: علم.
- بارت، استنلی (۱۳۸۷)، *نظریه و روش در انسان‌شناسی برای دانشجویان*، ترجمه شاهده سعیدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- بلوکباشی، علی (۱۳۶۷)، «آسیا»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، به سرپرستی کاظم موسوی بجنوردی
- _____ (۱۳۸۸)، *در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ دیگری نگرستن*، گل آذین: تهران.
- بنت، فرانسیسکو (۱۳۴۷)، «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱: ۱۲۱-۱۴۱.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۳)، «نگاه معنوی به آب»، در *کتاب مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی انسان و آب*، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
- بیتس، دنیل و پلاگ، فرد (۱۳۸۷)، *انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- بی‌نا (۱۳۸۴)، *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران*، استان خراسان رضوی شهرستان سبزوار، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین (۱۳۶۴)، «آسیاب‌های که با آب قنات کار می‌کنند»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۷۱: ۳-۳۰.
- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷)، *معماری اسلامی ایران*، تهران: سروش دانش.
- جانب‌اللهی، محمدسعید (۱۳۸۳)، *فرهنگ و فناوری قنات (نقش قنات در معماری سنتی)*، تهران: روشنان.
- دولت‌آبادی، مرتضی (۱۳۹۱)، *دست‌های خارنجی*، سبزوار: امید مهر
- رازقی، رمضان علی (۱۳۹۲)، *ترانه‌های محلی ششتمد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد سبزوار.
- رستمی، حسنعلی (۱۳۸۷)، *مبانی فقهی و حقوقی وقف و بازخوانی وقف‌نامه‌های سبزوار از عصر قاجاریه تاکنون*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد سبزوار.
- رزنیک، رابرت؛ هالیدی، دیوید و کرین، کنت اس (۱۳۸۲)، *فیزیک هالیدی*، تهران: نشر دانشگاهی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و قربانی، حمیدرضا (۱۳۸۵) «از کوچندگی تا یکجانشینی؛ رویکرد باستان مردم‌شناختی بر خاستگاه خانه و استراتژی معیشتی در دوره نوسنگی»، *نامه انسان‌شناسی*، شماره ۹: ۸۴-۱۱۶.
- _____ (۱۳۷۴)، «تأملی در خاستگاه جامعه روستایی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۱۹: ۱۸-۲۴.

- _____ (۱۳۹۲)، جزوه درس فرهنگ و تکنیک، گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۰)، گرد شهر با چراغ: مبانی انسان‌شناسی، تهران: عطار.
- روشن‌ضمیر، علی و همکاران (۱۳۹۲) «مهندسی آسیاب‌های آبی با مطالعه موردی آسیاب دو سنگی میند»، در کتاب خلاصه مقالات همایش ملی باستان‌شناسی: دست آورده‌ها فرصت‌ها و آسیب‌ها بیرجند: دانشگاه بیرجند: ۳۶۶.
- ریویر، کلود (۱۳۸۵)، در آمدی بر مبانی انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- زمرشیدی، حسین (۱۳۸۴)، «اندود ساروج و هنر ساروج بری در حمام‌های عمومی قدیم»، در کتاب مجموعه مقاله‌های حمام در فرهنگ ایرانی، به ویراستاری رزیتا انواری، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
- سرافرازی، رضا (۱۳۷۳)، آسیاب‌های کمره و پیشینه آسیاب‌های آبی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵: ۱۳۵-۱۶۸.
- سنگ سفیدی، محسن و عبدالله‌زاده ثانی، محمد (۱۳۸۸)، سیمای شهرستان سبزوار، سبزوار: مؤلف.
- شوتس، آلفرد (۱۳۷۳) «دون کثوت و مسئله واقعیت»، ترجمه حسین چاوشیان، مجله ارغنون، شماره ۴: ۲۵۷-۲۷۹.
- صالحی، غلامحسین (۱۳۶۸)، آسیاهای آبی منطقه بختیاری، پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۵) طالب‌آباد: نمونه جامعی از بررسی یک ده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۷۶)، مدیریت روستایی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- عبدالله‌زاده ثانی، محمد (۱۳۸۶) گزارش ثبتی آسیاب ریوند سبزوار، سبزوار: اداره میراث فرهنگی سبزوار.
- عسکری، مهدی؛ غربی، موسی‌الرضا و مصطفوی، مریم (۱۳۹۳)، «حضور باشکوه فرودستان در حیات اجتماعی: بررسی موردی یک آیین در سبزوار»، جامعه، فرهنگ، رسانه، شماره ۹: ۵۵-۶۹.
- عسگری خانقاه، اصغر و رفیع‌فر، جلال‌الدین (۱۳۶۸) «دهکده هوفل»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳: ۳۵-۵۸.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.

- غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۱)، جایگاه فرهنگی گیاه کمای در منطقه ششتمد سبزوار: روایتی مردم‌نگارانه از یک گیاه، پایان‌نامه کارشناسی مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۳)، آیین‌ها به‌مثابه عناصر حل تعارض در جوامع روستایی: بررسی سویه‌های اجتماعی و فرهنگی سه آیین عاشورایی در ششتمد سبزوار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، «ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۹: ۱۱۱-۱۴۶.
- فاستر، جورج (۱۳۷۸)، جوامع سنتی و تغییرات فنی، ترجمه سید مهدی ثریا، تهران: کتاب فرا.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۶۹)، نامه کمره، تهران: امیرکبیر
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نی
- فیلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی
- قلی‌پور، اسماعیل (۱۳۷۷)، آسیابادی خواف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گرگر، مک (۱۳۶۸)، سفر به ایالت خراسان، ترجمه اسدالله توکلی طبعی، تهران: اقبال.
- گزیندو، دیدیه (۱۳۷۳)، «اهمیت بررسی نحوه اشاعه تکنولوژی در مطالعات انسان‌شناسی»، ترجمه جلال‌الدین رفیع‌فر، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷: ۳۱۳-۳۱۷.
- لمبتون (۱۳۶۲) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر راهبردی، تهران: علمی و فرهنگی.
- مارکت، کاترین (۱۳۸۳) «بوم‌شناسی فرهنگی»، ترجمه فرهاد گشایش، فصلنامه هنر، شماره ۱۹۰، ۵۹-۱۹۸
- مآرکس، کارل (۱۳۸۳)، فقر فلسفه، ترجمه آرتین آراکل، تهران: آهورا
- محتشم، حسن (۱۳۷۳)، فرهنگ‌نامه بومی سبزوار، سبزوار: دانشگاه آزاد سبزوار.
- محتشم، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ‌واره ضرب‌المثل‌های سبزواری، سبزوار: دانشگاه آزاد سبزوار.
- محمدی، محمود (۱۳۸۱)، فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیهق، سبزوار: آژند.
- مقصودی، منیژه و غربی، موسی‌الرضا (۱۳۹۲)، «مراسم آیینی اسب چوبی»، در کتاب مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر، به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری، اصفهان: حوزه هنری اصفهان.

- مور، جری دی (۱۳۹۱)، *زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی*، ترجمه هاشم آقابیک‌پوری و جعفر احمدی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- وثوقی، منصور (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: انتشارات کیهان.
- ولایتی، سعداله و توسلی، سعید (۱۳۷۰)، *منابع و مسائل آب استان خراسان*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نصیب، ناصر (۱۳۶۰) «آسیاب و موقعیت آن در پهناي فرهنگ مردم»، *فصلنامه فرهنگ مردم*، شماره ۴: ۵۶-۶۰.
- _____ (۱۳۶۰) «آسیاب و موقعیت آن در پهناي فرهنگ مردم (۲)»، *فصلنامه فرهنگ مردم*، شماره ۵: ۶۳-۷۳.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۲)، «مشخصه‌های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری فضای زیست»، *محیط‌شناسی*، شماره ۳۲: ۷۱-۹۲.
- نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: مؤسسه نشر کلمه.

- Barrett Stanley R. (1984), **The Rebirth of Anthropological Theory**, Toronto: University of Toronto Press.
- Blasco, G. Y. & Wardle, H. (2007), **How to read ethnography**, New York: Routledge.
- Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (1994), **The handbook of qualitative research**. London: sage publications.
- Harverson, M. (2011) "Asia" Vol. II, Fasc. V. PP 751-757
- Lemonier, P. (2010), "Technology", In J. S. Barnard Alan, *Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology*, London and New York: Routledge, 685.
- Lemonier, P., Pfaffenberger (1992), "Towards an Anthropology of Technology", **Man**, New Series, Vol. 24, No. 3: 526-527
- Strauss, L. (1987), **Introduction to the work of Marcel Mauss** trans by Felicity Baker, London: Routledge and Kegan Paul
- Sutton Mark Q., Anderson E. N. (2010), **introduction to cultural ecology**, Lanham, Md.: AltaMira Press
- Tapper R. & McLachlan, K. (2005), **Technology, Tradition and Survival: Aspects of Material Culture in the Middle East and Central Asia**, London: Routledge